

## راهبردهای دولتی برای ساماندهی مشترک<sup>۱</sup> اینترنت در آمریکا، اروپا و چین\*

نوشته: ب. فریدمن، ال. هن بل و ج. لوکویچ\*\*  
ترجمه: محمد علی نوری، فائزه عامری\*\*\*

### مقدمه

اینترنت، الگوی حقوق دولتی سنتی را که در آن دولت حاکم، قانون را وضع و در قلمرو سرزمینی خود، از جمله با توسل به زور، اعمال می‌کند، برنمی‌تابد. در بررسی مقررات و قوانین مربوط به اینترنت، رابطه ایجابی میان حاکمیت دولت، سرزمین ملی و حقوق، رنگ می‌بازد. افزون بر این، حقوق بین‌الملل مشخص نمی‌کند که کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به اینترنت را دارد و کدام قانون، باید اعمال شود. به دیگر سخن، اینترنت متولیان ساماندهی امور عمومی را بر آن می‌دارد که از شیوه‌های نوین در تنظیم، تدوین و اجرای مقررات مربوط به آن بهره‌گیرند. ساماندهی مشترک یکی از روش‌هایی است که می‌توان به کار بست. به رغم اینکه تعریف «ساماندهی مشترک» هنوز روشن نیست و محل بحث است، اما می‌توان تصویر کلی از آن به دست داد.

از نظر تحلیلی، مطلوب است میان متولیان ساماندهی و آنچه آقای زیتن (۲۰۰۳)

۱. منظور ساماندهی مشترک دولت و بخش خصوصی است.

\* این مقاله به سفارش دفتر فصلنامه ترجمه شده است. مشخصات متن انگلیسی مقاله عبارت است از: Public Strategies for Internet Co-Regulation in the United States / Europe, and China, ۲۰۰۷, at: <http://www.philodroit.be>.

\*\* B.Frydman, L.Henebel, Gregory Lewkowicz

\*\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی

"جایگاه‌های نظارتی" نامیده است، تفکیک کنیم. متولیان ساماندهی، نهادهای خصوصی و عمومی هستند که می‌خواهند رفتارها را تنظیم کنند. جایگاه نظارت مختص همه عواملان خصوصی و عمومی است که به هر دلیلی، نقشی راهبردی در حوزه‌ای خاص دارند. در ساماندهی اینترنت، بر جایگاه‌های نظارتی به مثابه اهرم‌های تنظیمی تکیه می‌شود. سازوکار ساماندهی مشترک در این مقاله، ابزاری حقوقی است که برای اعمال فشار بر جایگاه‌های نظارتی طراحی شده است تا از این رهگذر برخی نتایج ساماندهی حاصل آید.

ساماندهی مشترک، به مثابه یک نظریه حقوقی، الگویی حقوقی است که در آن تدوین هنجارها، اعمال و اجرای آنها تنها بر عهده حاکم مقتدر نیست بلکه میان شماری از عاملان، اعم از عمومی و خصوصی، که داوطلبانه یا غیرداوطلبانه فعالیت می‌کنند، گسترده شده است. به بیان دقیق‌تر، ساماندهی مشترک، شکل نوینی از حکمرانی مقامات عمومی است که شالوده آن تفویض نمایندگی یا انتقال اختیاری تمام یا بخشی از وظیفه تدوین، اعمال و اجرا به عاملان خصوصی است. در این مقاله، معنی اخیر ساماندهی مشترک منظور است که بر راهبردهایی که دولت وضع کرده است، تمرکز دارد.

به هر حال، باید میان وضع قوانین و مقررات مشترک و «الگوی ساماندهی»<sup>۱</sup> که الگوی «فرمان و نظارت» نامیده می‌شود، تفکیک نمود. در الگوی ساماندهی، مقامات عمومی قوانین را وضع و اجرا کرده، متخلفین را مجازات می‌کنند.

همچنین، ساماندهی مشترک متفاوت از الگوی خودساماندهی<sup>۲</sup> است که به موجب آن بازیگران یک فعالیت مشخص، قواعد را وضع و بدون مداخله عمومی، به طور گروهی، اعمال می‌کنند. با این حال، ساماندهی مشترک تنها یک الگوی «بینابین» نیست. ساماندهی مشترک فی نفسه، الگوی حقوقی با مبانی خاص خود است که به فاعلان اجازه می‌دهد یکدیگر را کنترل کنند.

فکر ساماندهی مشترک در ساماندهی اینترنت به دلیل «حرکت به میانه» یعنی افزایش روزافزون نقش واسطه‌ها، با موفقیت مواجه شده است. از این مفهوم در دیگر رسانه‌ها و نیز در سایر عرصه‌ها از قبیل نظارت گروهی، مسئولیت اجتماعی گروهی و حقوق محیط زیست استفاده شده است و می‌تواند در فرآیند جهانی شدن، الگوی عمومی برای

۱. regulation model

۲. self-regulation model

حکمرانی جهانی تلقی شود.

تاکنون بیشتر نشریات دانشگاهی مرتبط با ساماندهی مشترک اینترنت، اساساً بر مسئله کارآمدی الگوی مذکور متمرکز شده‌اند. اگر چه این مقاله ابداعات حقوقی و مجموعه ابزارهای به کار رفته در آمریکا، اتحادیه اروپا و چین را برای کنترل اینترنت توصیف و بررسی می‌کند اما بیشتر بر تأثیر ساماندهی مشترک بر حاکمیت قانون تمرکز دارد. تأثیر ظهور نظام‌های متفاوت ساماندهی اینترنت بر رقابت حقوقی بین‌المللی و رعایت حاکمیت قانون، از دیگر مسائلی است که در این مقاله می‌آید.

### ایالات متحده آمریکا: خودساماندهی منعطف به ساماندهی مشترک

از نظام ساماندهی اینترنت در آمریکا برخلاف نظام اروپایی، به «خودساماندهی» یاد شده است. با این حال، نظام آمریکایی منحصر به خودساماندهی نیست. به دلیل داشتن پیشینه متفاوت حقوقی و قانونگذاری، ساماندهی اینترنت، در این کشور، در چارچوبی آزادی‌خواهانه صورت می‌گیرد. با این همه، سازوکارهای ساماندهی مشترک به منظور حمایت از حقوق خاص، برای نخستین بار در آمریکا طراحی شدند.

### چارچوب آزادی‌خواهانه ساماندهی اینترنت در آمریکا

حقوق آمریکا، از قدیم الایام، میان مسئولیت ناشر اطلاعات اختلاف‌برانگیز و توزیع‌کننده آنها، تمایز قایل است. نظام حقوقی آمریکا، از یک سو، مسئولیت تولیدکننده اطلاعات غیر قانونی را با مسئولیت ناشر آن گره می‌زند و از سوی دیگر، کتابفروشان، کتابخانه‌ها و سایر توزیع‌کنندگان بی‌اطلاع را که دلیلی برای اطلاع آنها از تخلف یا جرم در دست نیست، فاقد مسئولیت می‌داند. دادگاه‌های آمریکا این اصل را در نخستین دادخواهی علیه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی اعمال کردند. با این حال، دادگاه عالی ایالت نیویورک در پرونده شرکت استراتون علیه شرکت خدمات پرودیدیجی<sup>۱</sup>، موضعی متفاوت اتخاذ کرد. از نظر دادگاه مذکور وقتی ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی به نظارت بر متن و محتوای «آن-لاین»<sup>۲</sup> مبادرت می‌کند ناشر محسوب شده، در نتیجه، مسئولیت متوجه او خواهد بود. تناقضی که به دنبال این نظر به وجود می‌آید، آن است که ارائه-

---

۱. Prodigy services co

۲. On-line

دهندگان خدمات اینترنتی که نظارت دارند، بیشتر از کسانی که در این خصوص اقدامی نمی‌کنند، در معرض خطر هستند.

بنا به اظهار ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، این وضعیت، نظام خودساماندهی در حوزه اینترنت را تضعیف می‌کند؛ باعث اقامه دعوی زیاد علیه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی می‌شود و مانع گسترش اقتصاد دیجیتال است. در اوان سال ۱۹۹۶ کنگره آمریکا با تصویب قانون راجع به سلامت ارتباطات، به این امر واکنش نشان داد. ماده ۲۳۰ این قانون با ذکر عبارت «پناهگاه‌های امن»، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را از مسئولیت مدنی ناشی از محتوا و متن ساخته‌شده دیگران، که ارائه‌دهندگان خدمات، صرفاً به ضبط و پخش آنها اقدام کرده‌اند مصون می‌دارد. بند ج تبصره ۱ ماده ۲۳۰ قانون مذکور مقرر می‌کند که «ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی یا کاربری که خدمات رایانه‌ای محاوره‌ای<sup>۱</sup> دریافت می‌کند، ناشر یا تهیه‌کننده اطلاعاتی محسوب نمی‌شود که شخص دیگری آن را تهیه و در اینترنت ارائه کرده است».

دادگاه‌های آمریکا این ماده را به طور وسیع اعمال کرده‌اند. بنا به این قواعد، میزبان اطلاعات، مسئولیتی در قبال آنها نخواهد داشت: (۱) حتی اگر از ویژگی غیرقانونی محتوا آگاه باشد؛ (۲) حتی اگر مجنی علیه او را از این امر آگاه کرده باشد؛ (۳) افزون بر این، بند الف تبصره ۲ ماده ۲۳۰ مقرر می‌کند:

«اگر ارائه‌دهندگان خدمات رایانه‌ای محاوره‌ای، از روی حسن نیت و داوطلبانه، دسترسی یا قابلیت دسترسی به آثار قبیح، هرزه‌گرا، شهوانی، زشت، بسیار خشن، موهن یا اتهام‌برانگیز را ولو مورد حمایت قانون اساسی باشد، محدود کنند یا بدین منظور به ارائه‌دهندگان محتوا یا دیگران کمک کنند یا ابزارهای فنی لازم برای محدود کردن دسترسی به چنان اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار دهند ضامن نخواهند بود».

شرط اخیر که به «شرط اقدام خیرخواهانه» موسوم است، آن دسته از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را در برمی‌گیرد که به طور ارادی بر محتوای اینترنت نظارت دارند و دسترسی به محتوای «مشکل‌ساز»، زیان‌بار یا غیرقانونی را فیلتر یا محدود می‌کنند. روی هم رفته، این مقررات از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی در برابر دعاوی مبتنی بر مسئولیت مدنی حمایت می‌کند، خواه آنها محتوای اختلاف‌برانگیز یا مشکل‌ساز را

۱. محاوره‌ای یا فعل و انفعالی که در علوم کامپیوتر عبارت است از مبادله اطلاعات بین شخص و کامپیوتر در حین پردازش.

تصحیح کنند خواه نکنند.

با این همه، مصونیت اعطایی در قانون سلامت ارتباطات تنها در قبال مسئولیت مدنی است و به حقوق کیفری تسری نمی‌یابد. بر عکس، قانون مذکور، انتشار آگاهانه هر نوع پیام خلاف عفت را برای کودکان کمتر از ۱۸ سال جرم دانسته است، هر چند برای کسانی که با حسن نیت دسترسی کودکان به اطلاعات خلاف عفت را محدود می‌کنند دفاع‌های موجهی وجود دارد. این مقررات نوعی خودساماندهی آمره ایجاد کرد که می‌توانست پایه نظام ساماندهی مشترک قرار گیرد. با وجود این، دیوان عالی ایالات متحده، این مقررات کیفری را کنار گذاشت و حمایت کامل اولین اصلحیه قانون اساسی را از محتوای اینترنت اعلام کرد. به رغم تدوین قانون حمایت برون‌خط از کودکان<sup>۱</sup> که خواستار سازوکاری مشابه با سازوکار رد شده در دیوان عالی به دلیل خلاف قانون اساسی بودن، دیوان همچنان بر نظر خود تأکید دارد.

نتیجه آنکه، از یک سو، پیوستگی قید «پناهگاه امن» و «شرط اقدام خیرخواهانه» مقرر در قانون سلامت ارتباطات و از سوی دیگر، حمایت کامل اولین اصلحیه قانون اساسی از محتوای اینترنت که دیوان عالی ایالات متحده بر آن صحنه گذاشت، نظام آمریکایی ساماندهی اینترنت را به نظام خودتنظیم تبدیل می‌کند. در حقیقت، چارچوب آمریکایی ساماندهی اینترنت که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را در برابر دعاوی حقوقی مصون می‌کند، عمدتاً بر پایه نظارت اختیاری آنها و تدوین مجموعه قواعد رفتاری بنا شده است.

### تمایل به ساماندهی مشترک

غلبه حقوق آمریکا، به رغم چارچوب آزادیخواهانه‌اش در سه مورد مهم به سمت ساماندهی مشترک متمایل شده است: حمایت از کودکان و مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان<sup>۲</sup>، مبارزه با تروریسم و حمایت از آثار مشمول حمایت حقوق پدیدآورندگان. در این موارد، الگوهای حقوقی گوناگون، «سازش نامحسوس» میان دولت و عاملان خصوصی نظیر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی که نام آنها برای اجرای قانون فهرست شده است را نشان می‌دهد.

۱. Child Online Protection Act (COPA)

۲ Child pornography.

در موضوع بسیار حساس راجع به حمایت از کودکان، ابتکارهایی برای سهیم کردن عامل‌های خصوصی در امر ساماندهی صورت گرفت. نخست، در سطح کیفری، در قانون حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی مصوب ۱۹۹۸، گزارش‌دهی از جانب ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی الزامی شد. این قانون ارائه‌دهندگان مذکور را ملزم می‌کند در صورت مطلع بودن از مطالب حاوی هرزه‌نگاری کودکان، موضوع را به مراجع ذیربط گزارش دهند. عدم گزارش می‌تواند در مرحله اول جریمه‌ای تا ۵۰/۰۰۰ دلار در پی داشته باشد و در مرحله‌های دوم و بعد این جریمه تا ۱۰۰/۰۰۰ دلار خواهد بود. همچنین، قوانینی نظیر قانون حمایت از کودکان در اینترنت، مصوب ۲۰۰۰ که به موجب آن کتابخانه‌های عمومی، در صورت محدود نکردن دسترسی کاربران رایانه‌های خود به تصاویر مستهجن، از فهرست دریافت‌کنندگان بودجه فدرال حذف می‌شوند - خلاف قانون اساسی شناخته نشد. این قواعد انگیزه‌هایی برای ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و سایر عوامل اینترنت ایجاد می‌کند تا با ارائه اطلاعات به دولت یا با محدود کردن دسترسی به موارد بحث‌برانگیز، به عنوان مراجع اجرای قانون انجام وظیفه کنند. دوم آنکه، برای مبارزه با تروریسم، برخی ابتکارات مربوط به اعمال قانون، به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی اجازه می‌دهند که بر ارتباطات اینترنتی نظارت کنند. طبق قانون پاتریوت<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۲ به موجب «قانون ارتقای امنیت فضای مجازی» اصلاح شد، مسئولان اجرای قانون می‌توانند ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را به افشای اطلاعات راجع به امور اضطراری وادار کنند. افزون بر این، «اگر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، از روی حسن نیت به این باور برسند که در یک وضعیت اضطراری که خطر مرگ یا آسیب جسمانی شدید به یک شخص، افشای اطلاعات مربوط به وضعیت اضطراری را ایجاب می‌کند»، می‌تواند آن اطلاعات را به مقامات دولتی محلی، ایالتی یا فدرال افشا کند و در خصوص افشای اطلاعات در چنین شرایطی، ادعایی علیه او در دادگاه مسموع نیست. در این صورت، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی با برخورداری از مصونیت در برابر دعاوی راجع به نقض حریم خصوصی و داده‌های شخصی، ترغیب می‌شوند همانند مسئولان اجرای قانون عمل کنند.

سرانجام آنکه در عرصه حقوق پدیدآورندگان، رژیم مسئولیت خاصی برای ارائه-

---

۱. Patriot Act.

دهندگان خدمات اینترنتی، در کنگره تدوین شده است. در سال ۱۹۹۸، «قانون حقوق مؤلف در هزاره دیجیتال»، توافقنامه موسوم به توافق واشنگتن بین مالکان حق نشر و نمایندگان مشاغل الکترونیک را درباره نقض برون خط مالکیت‌های ادبی و هنری، وارد قانون حقوق مؤلف کرد. بنا به این قانون، اگر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی از اینکه میزبان مطالبی هستند که با نقض حقوق پدیدآورندگان تهیه شده‌اند آگاه نباشند یا نقض حقوق ادبی و هنری متعلق به دیگران، نفعی عاید آنها نکند مسئولیتی در قبال آن مطالب نخواهند داشت. با این وصف، هنگامی که مالک حقوق ادبی و هنری، تخلفی را به ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی اطلاع می‌دهد، وی باید، ظرف ۱۰ روز، آن آثار را از سایت خود حذف یا دسترسی به آنها ممنوع سازد در غیر این صورت، ضامن خسارات خواهد بود. در این صورت باید به ارائه‌کننده محتوا اطلاع دهند که دسترسی به مطالب وی را قطع یا آنها را حذف کرده است. ارائه‌کننده محتوا نیز می‌تواند در اعتراض به اقدام وی، اخطار رسمی متقابلی برایش ارسال کند. در این صورت، ارائه‌دهنده خدمات باید به شاکی اطلاع دهد که اطلاعات مورد اختلاف را در فضای اینترنت و آن‌لاین قرار می‌دهد، مگر اینکه شکایتی علیه ارائه‌کننده محتوا، مطرح کند و درخواست دستور موقت از دادگاه نماید. به این ترتیب، ارائه‌دهندگان خدمات، نقش خود را در ساماندهی نقض آن‌لاین مالکیت‌های ادبی و هنری ایفا می‌کنند. با این وصف، آنها نباید به رغم امکان اخطار و اخطار متقابل، رأساً در خصوص اختلاف، تصمیم‌گیری کنند.

در نتیجه، اگر چه ساماندهی اینترنت در آمریکا عمدتاً به شکل خودتنظیم و بدون دخالت دولت صورت می‌گیرد، اما از برخی سازوکارهای ساماندهی مشترک با دولت نیز برای تضمین امنیت (برای مثال، در مبارزه علیه تروریسم)، حقوق ویژه (برای مثال، در مبارزه با سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان) و حمایت از منافع اقتصادی ویژه (برای مثال، حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار) استفاده می‌شود. با وجود این، در الگوی آمریکایی، ساماندهی مشترک، جنبه استثنایی دارد و برای نیل به اهداف بسیار خاص راجع به موضوع‌های معین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که به نظر می‌رسد در اروپا، ساماندهی مشترک الگوی کلی و پیشرو در ساماندهی محتوای اینترنت می‌باشد.

### اتحادیه اروپا: ساماندهی مشترک به مثابه الگوی کلی

نظام اروپایی ساماندهی مشترک، با دستورالعمل مربوط به تجارت الکترونیک که در ژانویه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد، شکل گرفت. این مصوبه، محدودیت هایی بر رژیم مسئولیت وضع می کند که در مقایسه با شرط مصونیت مقرر در قانون سلامت ارتباطات آمریکا، نفع کمتری را متوجه ارائه دهندگان خدمات اینترنتی می کند. علاوه بر این، مداخله دولت را افزایش می دهد و مانند موضع اروپا در مواجهه با آزادی بیان، محدودیت های خاص، مسئولیت ها و مجازات هایی را لحاظ کرده است که مداخله مقامات عمومی را توجیه می کند. فارغ از تفاوت هایی که در نتیجه وارد کردن این دستورالعمل در حقوق داخلی کشورهای عضو به چشم می خورد دستورالعمل مذکور عناصر عمده الگوی ساماندهی مشترک محتوای اینترنت را تعریف می کند و از پیدایش عوامل حرفه ای حمایت می کند که برای نظارت بر اینترنت قابل اعتماد هستند. با وجود این، نظام اروپایی ممکن است در شکل کنونی اش بسیار مؤثر ظاهر شود اما ضمانت های لازم برای جلوگیری از سانسورهای گسترده خصوصی را ندارد.

### مدل کلی ساماندهی مشترک: به سمت حرفه ای و آیین مند کردن

دستورالعمل اتحادیه اروپا همانند «قانون حقوق مؤلف در هزاره دیجیتال» و قانون سلامت ارتباطات در آمریکا در وهله نخست قصد دارد «پناهگاه امن» را برای ارائه دهندگان خدمات ایجاد کند. با این حال، رویکرد اروپایی با رویکرد آمریکایی از نظر روش متفاوت است. نخست آنکه، دستورالعمل اتحادیه اروپا سلب مسئولیت مدنی و کیفری را به نحو مشروط می پذیرد. دوم آنکه، آمریکا رویکرد عمودی در ساماندهی مسایل حقوقی مرتبط با نقض یک حق ویژه را مطلوب می داند، حال آنکه اروپایی ها - به پیروی از مدل کشور آلمان - رویکرد افقی را اقتباس کرده اند که قواعد کلی قابل اعمال بر انواع مطالب غیر قانونی یا زیانبار را مشخص می کند و اعم است از نقض حقوق مؤلف، هتک حرمت، نقض حریم خصوصی، سخنان تفرقه آمیز، تحریک به خشونت، تصاویر موهن، سوء استفاده جنسی از کودکان و غیره. دستورالعمل به عنوان یک اصل بیان می دارد که ارائه دهندگان خدمات ملزم نیستند بر اطلاعاتی که ضبط می کنند یا انتقال می دهند، نظارت کنند یا به نحو فعال، موارد غیر قانونی در شبکه را جستجو نمایند. با وجود این، دولت های عضو می توانند، ارائه دهندگان خدمات را



مجبور کنند که داده‌های غیرقانونی یا موارد نقض گزارش شده از سوی دریافت‌کنندگان خدمات و هویت مشتریان خود را به دولت‌ها اطلاع دهند. دادگاه‌های ملی و مقامات اداری نیز می‌توانند در قوانین خود، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را به محدود کردن دسترسی به آثار زیانبار، غیرقانونی یا ناقض حقوق دیگران یا حذف آنها موظف کنند. در این دستورالعمل در خصوص مسئولیت، میان کسانی که دسترسی به اینترنت را فراهم می‌کنند و ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی، تمایزی وجود ندارد. به ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی که دسترسی کاربر به اینترنت را فراهم می‌کند، فراهم‌کننده دسترسی به اینترنت، اطلاق می‌شود و به ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی که داده‌های گردآوری شده از سوی تهیه‌کننده مضمون را در سرور خود ثبت می‌کند، فراهم‌کننده خدمات میزبانی اطلاق می‌شود. طبق دستورالعمل، فراهم‌کننده دسترسی در صورتی که نقش غیر فعال داشته و عملی را بدون هرگونه نیت سوء انجام داده باشد ضامن اطلاعات انتقال یافته نیست. ماده ۱۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص فعالیت‌های میزبانی مقرر می‌دارد که فراهم‌کننده میزبانی در صورتی که از فعالیت غیرقانونی بی‌اطلاع باشد و پس از آگاهی یافتن، در حذف اطلاعات و قطع دسترسی به آنها، به نحو مقتضی عمل کند مسئول نیست. این شرط به طور ضمنی به «اخطار و ثبت» رسمی منتهی می‌شود که گرچه در خود دستورالعمل نیامده است اما به دولت‌ها یا خودساماندهی واگذار شده است.

این مقررات چارچوب ساماندهی را در سطح اتحادیه اروپا مشخص می‌کند و زمینه را برای تحولات بعدی فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد معافیت مشروط از مسئولیت مدنی و کیفی که به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی اعطا شده است نقطه عطف مستحکمی برای توسعه نظام ساماندهی مشترک باشد. مصونیت، به ویژه هنگامی که تابع شرایط معین باشد، پاداش ترغیب‌کننده‌ای است که این صنعت مایل به پیگیری کامل آن است. به همین علت است که فراهم‌کننده میزبانی نقش مهم‌تری در نمونه اروپایی ساماندهی محتوا دارد و فراهم‌کنندگان دسترسی که از مصونیت کم و بیش کامل بهره‌مند هستند، در مواجهه با محتوای مشکل‌ساز، کمتر احساس فشار می‌کنند. در نتیجه، فراهم‌کنندگان خدمات میزبانی ناخواسته به ساماندهان اصلی جامعه اطلاعات در اروپا ارتقا یافته‌اند. افزون بر این، محیط حقوقی طراحی شده در دستورالعمل اتحادیه اروپا، قدرت دیگر فاعلان و واسطه‌ها را افزایش می‌دهد.

نخست آنکه، رویهٔ اخطار و اقدام رسمی که در دستورالعمل مقرر شده است، انگیزهٔ مهمی برای تنظیم رویهٔ مطابق با موازین، ایجاد می‌کند. در حقیقت، خدمات‌رسانان و فراهم‌کنندگان میزبانی به ویژه مشتاق سازوکار بهتر برای مدیریت شکایاتی هستند که از منابع گوناگون دربارهٔ محتوای بحث‌انگیزی که توسط مشتریان به سرور آنها ارسال می‌شود مطرح می‌شوند. افزون بر این، فرم استاندارد شدهٔ اخطار موجب می‌شود ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت به اخطارها به نحو دقیق و سریع واکنش نشان دهند. استاندارد کردن با تعیین فرم برای اخطار آغاز می‌شود و ارائه‌دهندگان خدمات را بر آن می‌دارد تا به صراحت شکایت‌ها، مواد بحث‌انگیز و نشانگر منبع اینترنتی را هر جا که دیدند، شناسایی کنند. این فرم‌ها به طور معمول مستلزم اظهار رسمی از سوی شاکی است که تصدیق می‌کند اخطار صحیح و صادقانه بوده است و بر این اساس، رویارویی با تبعات حقوقی هرگونه اخطار توأم با سوءنیت و خطا را می‌پذیرد. این استاندارد کردن به شیوه‌های مختلف و از طریق سازمان حرفه‌ای یا هر یک از ارائه‌دهندگان خدمات، به نحو فردی یا در شراکت با مراجع عمومی دست‌یافتنی است.

دوم آنکه، اخطار استاندارد و شیوهٔ ثبت و ضبط، کاملاً مطلوب است و ممکن است مانع شکایت بسیاری از کاربران معمولی شود که آثار زیانبار یا غیر قانونی را به صورت درون‌خط در اینترنت مشاهده می‌کنند. این وضع، راه را برای نوع دیگری از واسطه‌های حرفه‌ای میان کاربر و ارائه‌دهندگان خدمات که متخصص در پردازش اخطارها هستند، باز می‌کند. این واسطه‌ها که به «خطوط ویژه»<sup>۱</sup> معروف‌اند، نقش مهمی در شیوه ساماندهی مشترک اروپایی ایفا می‌کنند. افزون بر این، اتحادیه اروپا در دو سطح اروپایی و ملی از این خطوط حمایت می‌کند. از سال ۱۹۹۹، اتحادیهٔ اروپا به انجمن بین‌المللی خطوط اینترنت (Inhope) کمک مالی کرده است. این انجمن شبکه‌ای از ۲۵ خط ویژه در ۲۳ کشور جهان است که مأموریت انتقال اخطارها به ارائه‌دهندگان خدمات، پلیس یا اعضای خود را دارد. این شبکه مدعی است بین ماه‌های سپتامبر ۲۰۰۳ و فوریهٔ ۲۰۰۴، ۱۰۶۹۱۲ گزارش شامل ۵۴۲۴۲ گزارش در مورد هرزه‌نگاری کودکان دریافت کرده است. در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۵۳۴۰۰۰ گزارش به خطوط ویژه این انجمن ارسال شد. این گزارش‌ها راه را برای طرح دعاوی مهم علیه هرزه-

---

۱. Hotlines.

نگاری کودکان هموار کرد. برای مثال، در آلمان، با گزارش اعضای انجمن بین‌المللی خطوط ویژه به پلیس فدرال آلمان، دعوایی علیه شرکت ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی (مارسی آپریشن) که شامل ۲۶۵۰۰ کاربر اینترنتی در ۱۶۶ کشور بود، طرح گردید. در بریتانیا، «بنیاد نظارت بر اینترنت»<sup>۱</sup> - خط ویژه ملی - گزارش داد که نگرش مشارکتی آن باعث شده است سوءاستفاده از کودکان که در انگلیس میزبانی می‌شد، از ۱۸٪ در سال ۱۹۹۷ به ۴٪ در سال ۲۰۰۴ کاهش یابد. در سال ۲۰۰۵، بنیاد نظارت، ۱۵۰ شهروند بریتانیایی را به پلیس بریتانیا معرفی کرد که نتیجه آن بازداشت ۱۴ نفر و مساعدت به پلیس در ۲۰ مورد تحقیق بود.

سوم، شیوه اخطار و حد و ضبط مذکور در ماده ۱۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا، نظارت بر اینترنت را از بخش خصوصی و عمومی طلب می‌کند. ناظرین اینترنتی فقط در مورد شکایات واصله گزارش نمی‌دهند. آنها به طور فعال اینترنت را زیر نظر می‌گیرند و به دنبال آثار غیرقانونی خاصی هستند که قصد مبارزه با آنها را دارند. این ناظرین از مراجع عمومی یا اشخاص خصوصی از قبیل سازمان‌های غیردولتی یا نهادهای صنفی کمک مالی دریافت می‌کنند. در واقع، شماری از خطوط ویژه نیز به عنوان ناظر عمل می‌کنند. و بالعکس به طور مثال، انجمن آلمانی حمایت از جوانان<sup>۲</sup> که توسط مقامات عمومی تأسیس شده و تحت حمایت مالی آن است، به طور فعال محتواهای نفرت‌آور در فضای اینترنت را ردیابی می‌کند و بر سازمان‌های عمومی گزارش می‌دهد. از سال ۲۰۰۱، ۷۵۰ وبگاه افراطی در نتیجه طرح دعوا از سوی این انجمن، تعطیل شدند. انجمن مذکور به همراه موسسه ماجتتا<sup>۳</sup>، شبکه بین‌المللی مبارزه با آثار موهن در فضای مجازی را طراحی کردند تا از این طریق، اقامه دعوی بین‌المللی علیه سخنان موهن در اینترنت تسهیل گردد. این شبکه از ناظرین به طور فعال به افزایش اخطارها و شیوه ثبت و ضبط سخنان موهن کمک می‌کند.

سرانجام می‌توان پیش‌بینی کرد که اخطار و ضبط راه را برای سازوکارهای حل اختلاف درون خط<sup>۴</sup> به منظور حل اختلافات مربوط به اصالت آثار درون خط، می‌گشاید. در حال حاضر، فراهم‌کننده محتوا یا شاکی در موارد ضبط و بازگشت، چاره‌ای

<sup>۱</sup>. Internet Watch Foundation (IWF)

<sup>۲</sup>. German association Jagenschutz

<sup>۳</sup>. Magenta Foundation.

<sup>۴</sup>. Online Dispute Resolution Mechanisms (ODR).

جز طرح دعوا در دادگاه ندارند. دادگاه‌ها در عمل با شمار فزاینده‌ای از دعاوی راجع به محتوای اینترنت روبرو هستند. با این وصف، دادگاه همواره محل مناسبی برای حل این دعاوی نیست؛ زیرا رسیدگی‌های قضایی، طولانی و پرهزینه‌اند و قضات نیز لزوماً متخصص قوانین فضای مجازی نیستند. معیارسازی حل درون‌خط اختلاف می‌تواند گام مهم بعدی در توسعه نظامی کارآمد در ساماندهی مشترک اروپایی باشد، با این شرط که منصفانه بودن روش حل اختلاف مزبور، که اغلب محل بحث است، تضمین شود.

## ۲. تأثیر خطرناک

در حالی که ساماندهی اینترنت در ده سال پیش قابل اجرا نبود، اما امروزه نظامی که در اروپا ایجاد شده کاملاً مؤثر و کارآمد به نظر می‌رسد. گاهی آنچنان مؤثر است که آزادی بیان و آزادی مطبوعات را به خطر می‌اندازد و از اصول حاکمیت قانون و به طور دقیق‌تر از معیارهای دیوان اروپایی حقوق بشر که بر ماده ۱۰ قانون دادگاه مزبور مبتنی است، تخلف می‌ورزد. در واقع، ماده ۱۴ دستورالعمل در خصوص تجارت الکترونیک، از شرکت‌های خدمات میزبانی می‌خواهد آثار بحث برانگیز را که بر روی سرورهای خود ذخیره کرده‌اند، بلافاصله پس از اخطار مقامات عمومی، ناظرین، سازمان‌های غیردولتی، اشخاص مدعی خسارت یا هر کسی که ادعا می‌کند این آثار غیرقانونی، نقض‌کننده یا زیانبار هستند، حذف کند. افزون بر این، به نظر می‌رسد این نظام ناموزون است، زیرا از یک سو ماده ۱۴ دستورالعمل فراهم‌کنندگان میزبانی را ترغیب می‌کند این مواد را ضبط و کنترل کنند، و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای بازگرداندن محتوای قانونی و شروع بر روی شبکه به وجود نمی‌آورد. این امر چنین توضیح داده می‌شود که دستورالعمل اتحادیه اروپا، اخطار رسمی و شیوه ضبط و حذف که ساماندهی ملی و مشترک باید این وظیفه را انجام دهد، برقرار نکرده است. این الگوی ساماندهی آثار فرعی منفی در بر دارد. فراهم‌کننده محتوا هیچ‌گونه حق رسمی بر درخواست برگرداندن محتوا به شبکه یا حتی اطلاع از ضبط و حذف محتوا را ندارد. در نتیجه، ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی می‌تواند رأساً تصمیم بگیرد که از اخطارهایی که روزانه دریافت می‌کند و صحت و دقت آنها متفاوت است، تبعیت کند یا خیر. بنابراین، شرکت ارائه‌دهنده خدمات نه در مقام ممیزی بلکه در مقام قاضی قرار دارد. در واقع، تحقیقات و بررسی‌های دانشگاهی اخیر به نحو قاطع، نشان می‌دهد ارائه‌دهندگان خدمات

اینترنتی، به ویژه در اروپا، تمایل دارند با طرح شکایت ولو مبتنی بر اطلاعات گمراه-کننده و اشتباه باشد، مضمون قانونی و مشروع را ضبط کنند.

روی هم رفته، اخطار رسمی اروپایی و شیوه ضبط و توقیف، نامتوازن است و در معرض سانسور خصوصی گسترده قرار دارد. این وضعیت را می‌توان با توسل به شیوه حقوقی اخطار متقابل و بازگردان محتوا، نظیر نمونه قانون هزاره دیجیتال حل نمود. حتی برای رسیدن به نظامی بهتر و کاملاً متوازن می‌توان از الگوی ژاپن الهام گرفت که قانون حمایت حقوق پدیدآورندگان آمریکا ضبط و توقیف فوری را مقرر می‌کند و از سوی دیگر اجازه می‌دهد، فراهم‌کننده محتوا اخطار متقابلی را در مورد بازگرداندن محتوا صادر کند، اما قانون مصوب ۲۰۰۱ ژاپن، رویه «اخطار، اخطار و ضبط و توقیف» را برقرار می‌کند که از ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی می‌خواهد اخطار را به فراهم‌کننده محتوا ارسال کند و پیش از حذف یا ضبط داده‌های موضوع ابلاغ، منتظر پاسخ بماند.

این نظام که می‌توان آن را «پاسخ و انتظار» نامید در ظاهر از جهت در نظر گرفتن منافع همه طرف‌ها مناسب‌تر است و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را از بار «تصمیم‌گیری» که نه واجد شرایط آن هستند و نه مشروعیت تصمیم‌گیری را دارند، معاف می‌کند. اگر این سازوکارها بتوانند نظام اروپایی ساماندهی اینترنت را تثبیت کنند، برخی دولت‌ها از نظام ساماندهی مشترک طرفداری می‌کنند و علت آن فقط توان سانسور و ممیزی آن است.

## چین: از ساماندهی مشترک اقتدارگرایانه تا تلاش‌های بین‌المللی برای استقرار قانون

نظام‌های اروپایی و آمریکایی هر دو نشان می‌دهند که ساماندهی مشترک راه مؤثری برای ساماندهی اینترنت هم از حیث موضوعات خاص و هم به عنوان نظام عمومی است. دولت‌های اقتدارگرا می‌توانند از ساماندهی مشترک برای تهدید آزادی بیان، سانسور اینترنت و سرکوب رسانه‌ها استفاده کنند. این چیزی است که هم اکنون در چین رخ می‌دهد و منجر به مبارزه بین‌المللی برای استقرار قانونی می‌شود که هدف آن گزینش معیارهای جهانی برای ساماندهی اینترنت است.

## الگوی رو به تکامل ساماندهی اینترنت در چین

مقامات چینی، بر ارتباطات اینترنتی نظارت می‌کنند تا بحث‌های سیاسی و اجتماعی مناقشه‌ای را محدود کنند. در عین حال، چین از اینترنت برای تبلیغات سیاسی استفاده می‌کند و معاملات تجاری را از این طریق انجام و اینترنت را در کشور توسعه می‌دهد. حکومت چین نظام محدودیت و کنترل شدید دسترسی به اینترنت را برقرار کرده است که از طریق موانع مجازی<sup>۱</sup> و بگانه‌های ناخوشایند از قبیل پورتال‌های حقوق بشر و روزنامه‌های آن-لاین نظیر نیویورک تایمز را فیلتر می‌کند و مانع دسترسی به آنها می‌شود. افراد یا گروه‌ها مجاز به برقراری ارتباط مستقیم بین‌المللی نیستند و دولت بر تمام موارد دسترسی به اینترنت نظارت می‌کند. با این حال، فناوری نمی‌تواند نظارت کامل را تضمین کند و استفاده از خود فناوری می‌تواند نظارت را با مشکل مواجه کند. افزون بر این، اگر دولت بخواهد هر متخلفی را دستگیر، محاکمه و محکوم کند، اجرای سانسور و ممیزی دولت با مشکل مواجه می‌شود.

در نتیجه، چین از دو روش برای ساماندهی محتوای اینترنت استفاده کرده است: نخست از سال ۱۹۹۶ اینترنت را از طریق قوانین بسیار و فرمان‌های رسمی ساماندهی کرده است و انتشار پیام‌ها و اعمالی را که مضر به امنیت ملی باشند، اسرار دولتی را افشا کنند، ثبات اجتماعی را به خطر اندازند یا مسائل جنسی را ترویج دهند و ... منع می‌کند.

افزون بر این، سازوکارهای ساماندهی مشترک برای واگذاری نظارت اینترنت به عامل‌های خصوصی و بخش تجاری، مرتب افزایش و گسترش یافته است. در اجرای این کار، چین طرح کنترل پُر هزینه و بسیار مؤثری را اتخاذ کرده است که ضمانت‌های کیفری و طرق اجرایی خصوصی را تلفیق می‌کند و کنترل مستقیم و سانسور دولت را با نظارت فاعلان غیردولتی از جمله سرمایه‌گذاران خارجی، هماهنگ کرده است. برای مثال، مطابق قانون حفظ اسرار دولتی، شخصی که اطلاعات را در اینترنت قرار می‌دهد در نهایت ضامن پخش غیر قانونی آن اطلاعات است، حتی اگر این اطلاعات که به وبگاه رسیده یا از آن خارج شده مورد بررسی و تأیید مقامات دولتی صالح قرار گرفته باشد. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و کاربران باید نظام‌های مدیریتی برقرار کنند

---

۱. Firewall

و همه موجودیت‌ها یا کاربرانی که اتاق‌های گفتگو (چت) یا گروه‌های خبری شبکه‌ای ترتیب می‌دهند، مشمول بازبینی و تأیید مراجع دولتی هستند. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و تهیه‌کنندگان محتوا، مسئول هر نوع قصور در سرپرستی و نظارت بر فعالیت‌های الکترونیکی در عرصه کاری خود هستند. مقررات اداره و بنگاه‌های حرفه‌ای خدمات دسترسی به اینترنت که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد، ارائه‌دهندگان خدمات را به نصب نرم‌افزار ردگیری کننده، اتخاذ راهکارهای نظارتی و کنترلی، گزارش به مراجع ذی‌ربط در مواقعی که فردی از اینترنت برای فعالیت‌های غیرقانونی استفاده می‌کند ملزم کرده است و نیز ثبت کارت هویت کاربر و پیشینه و بنگاههایی را که از آنها بازدید شده است، برای مدت دست کم ۶۰ روز و همچنین نصب نرم‌افزار برای فیلتر کردن وبگاه‌های ممنوع که حکومت آنها را تخریب‌گر، الزامی تلقی کرده است. مقررات موقت مربوط به اداره انتشارات اینترنتی مصوب ۲۰۰۲، شرایط مشابهی را بر عاملان در صنعت نشر اینترنتی تحمیل می‌کند و قوانین مختلف و فرمان‌های رسمی تأیید می‌کنند که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی باید برای تضمین نظارت مؤثر بر اینترنت، اقداماتی از قبیل حذف محتوای ممنوع، ثبت سوابق و اطلاع دادن فعالیت‌های غیرقانونی به مقامات انجام دهند. عدم اقدام در این زمینه، تخلف از قانون است و جریمه در پی دارد. سرانجام، در مارس ۲۰۰۲، دولت چین برای کنترل سرمایه‌گذاران خارجی طرح تعهدنامه عمومی و داوطلبانه خود تنظیم صنعت اینترنت چین را بنیان نهاد که امضاکنندگان را ملزم می‌کند «بر اطلاعاتی که کاربران بر روی وبگاه قرار می‌دهند، مطابق قانون نظارت کنند و اطلاعات زیانبار را به سرعت حذف کنند، نیز «اتصال به وبگاه‌هایی را که اطلاعات زیانبار دارند» ممنوع نمایند. دست‌اندرکاران عمده اینترنت در آمریکا از قبیل یاهو<sup>۱</sup> این تعهد را امضا و موافقت کرده‌اند دولت چین را در نظام مدیریت کنترل محتوا و برای نظارت بر پیام‌های اینترنت یاری دهند ... اما جالب است که دولت چین از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی دعوت کرده است خود، به ایجاد راهکارهای ساماندهی مشترک اقدام کنند تا از این طریق، سانسور اینترنت تضمین گردد. برای نمونه، به دلیل وجود این روش، دولت چین توانست گوگل<sup>۲</sup> را به راه‌اندازی موتور جستجوی سانسور شده چین متقاعد کند. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی

<sup>۱</sup> Yahoo

<sup>۲</sup> Google

در آمریکا مایل هستند، به دلایل شغلی و حرفه‌ای، با امضاء و اجرای تعهد نامه مذکور و فروش فناوری مورد نیاز برای عملی کردن طرح فیلتر و سانسور مورد نظر دولت چین یا افشاء اطلاعات خصوصی کاربران نزد مقامات چینی، به مانند سانسورچی و ممیزی اقدام کنند. این امر، مسأله همدستی شرکت‌های اینترنتی با رژیم‌های اقتدارگرا را مطرح کرده است.

## ۲. قاعده‌مند کردن قواعد: مبارزه فرا ملی برای استقرار قانون

با این وصف، توانایی دولت‌ها در استفاده از ساماندهی مشترک و واگذاری امور اجرایی قانون ملی دست کم در قلمرو سرزمینی خود محدود است. در واقع ارائه-دهندگان خدمات اینترنتی، بازیگران جهانی‌اند و قوانین دولت‌ها تأثیرات شبکه‌ای دارد. این وضعیت جهانی منتهی به تلاش بین‌المللی برای استقرار قانون می‌شود. برای مثال، کنگره آمریکا برای واکنش به سیاست حکومت چین و سایر کشورهای اقتدارگر در سراسر جهان در نظر دارد به منظور اعتلای آزادی بیان در اینترنت تصویب کند. عنوان این قانون «قانون آزادی جهانی آن‌لاین»<sup>۱</sup> است. این لایحه بر آن است که دفتر آزادی جهانی اینترنت<sup>۲</sup> را با وظیفه تدوین فهرستی از «کشورهای محدودکننده اینترنت» ایجاد کند. این لایحه در ماده ۲۰۱ مقرر می‌کند که «هر بنگاه آمریکایی که موتور جستجوی اینترنت ایجاد، خدمات میزبانی محتوا اینترنت را عهده‌دار است، نمی‌تواند در کشور محدودکننده اینترنت که خدمات میزبانی یا چنین موتور جستجویی را فراهم می‌کند، اقامت و فعالیت کند». افزون بر این، شرکت‌های اینترنت ملزم هستند موتور جستجوی خود را تغییر ندهند تا نتایج جستجوی متفاوت برای کاربرانی که از کشورهای مختلف با موتور جستجوی واحد جستجو می‌کنند ارائه نکنند. گرچه احتمال تصویب این لایحه زیاد نیست، اما تحول دیگری را در ساماندهی اینترنت آشکار می‌کند؛ یعنی جنگ سرد بین دولت‌ها از طریق شرکت‌های اینترنتی. این گرایش، «تلاش جهانی بر سر قانون» را نمایان می‌کند که اینک در این امر ظهور دارد که هر دولت می‌کوشد ضابطه‌های خود را به استفاده از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت به عنوان سربازان دفاع از ارزش‌های ملی خود، بر دیگران تحمیل کند.



در این خصوص، فعالان جامعه مدنی قرار دارند که برای نمونه با توسعه و اتخاذ نرم‌افزاری نظیر نرم‌افزار پسیفون<sup>۱</sup> که بنیاد سوروس<sup>۲</sup> و دانشگاه تورونتو از آن پشتیبانی مالی می‌کنند، نقش خود را انجام می‌دهند و کاربران اینترنتی در کشورهایی که اینترنت را سانسور می‌کنند، می‌توانند از طریق آن به وبگاه‌های ممنوع دسترسی یابند. در همین راستا، سرویس سخن‌پراکنی صدای آمریکا که با بودجه دولت اداره می‌شود، با شرکت انونی مایزر<sup>۳</sup> که طرح نرم‌افزار ضد سانسور است، به منظور دسترسی شهروندان ایرانی به اطلاعاتی که دولت سانسور کرده، قرارداد بسته است.

همچنین، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به رکن قضائی تلاش بین‌المللی برای استقرار قانون بیپوندند. برای مثال، در آوریل سال ۲۰۰۷ سازمان غیردولتی «سازمان جهانی حقوق بشر» مستقر در آمریکا، به استناد قانون دعاوی مسئولیت مدنی بیگانگان، دعاوی بزرگی علیه یاهو در دادگاه شهرستان آمریکا طرح کرد و ادعا نمود این شرکت اینترنتی در دستگیری و شکنجه روزنامه‌نگار چینی، معاونت و مشارکت داشته است. بنا به شکایت، شرکت یاهو به درخواست مقامات چینی نام روزنامه‌نگاری را که از نشانی اینترنتی یاهو برای دعوت مردم به دموکراسی در چین استفاده می‌کرد، افشا نمود. این دعاوی فراملی توانست فشار بیشتر به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی وارد کند و آنها را برانگیزد تا احترام بیشتری برای حقوق بشر و معیارهای مردم‌سالارانه آزادی بیان قائل شوند.

### ساماندهی مشترک اینترنت و اصل «حاکمیت قانونی»

این مقاله اختلاف بین راه حل‌های ساماندهی مورد تأیید ساماندهان آمریکایی، اروپایی و چینی را ارائه کرد. در هر مورد از برخی ابزارهای حقوقی به منظور فشار بر ارائه‌دهندگان خدمات استفاده می‌شد تا نظارت بر اینترنت محقق گردد. در آمریکا نمونه ساماندهی مشترک استثنایی است و فقط برای نیل به هدف‌های خاص استفاده می‌شود، در حالی که در اروپا و چین ساماندهی مشترک نمونه عمومی است. چنانچه به‌رغم اختلاف‌های مربوط به توانایی دولت‌ها در کنترل اینترنت، آنها از تأثیر و توان روش‌های

۱ Global Online Freedom Act.

۲ Office of Global Internet Freedom.

ساماندهی مشترک کاملاً آگاه باشند، در این صورت ساماندهی مشترک می‌تواند آزادی‌های بنیادی و تضمین‌های اساسی حاکمیت قانون را به مخاطره افکند. در این مقاله استفادهٔ چین از ساماندهی مشترک به منظور حمایت از سیاست‌های اقتدارگرایانه توصیف شد و مشخص گردید که نظام اروپایی، ناقص است و سازوکارهای تأمینی ضروری را برای تضمین احترام کامل به ضمانت‌های حاکمیت قانون را ندارد. در پس این امور، می‌توان در غیاب معیارهای جهانی ساماندهی اینترنت، رقابت مستقیم بین کشورها، نمونه‌ها و معیارها را جهت مبارزهٔ جهانی برای حاکمیت قانون مشاهده نمود. همچنین به دلیل تأثیر سازوکار ساماندهی بر اصل حاکمیت قانون، می‌توان گفت که در نهایت امر آزادی‌های بنیادی هستند که در معرض خطر قرار دارند. این پرسش هنوز مطرح است: کدام یک از الگوهای آزاد منشانهٔ ساماندهی مشترک رویه‌ای و ساماندهی مشترک اقتدارگرایانه بر دیگری پیروز خواهد شد؟





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی